

جورج اورول

دختر کشیش

www.ketab.ir

ترجمہ

بہناز پیادہ



www.ketab.ir

سرشناسه:	اورول، جورج، ۱۹۰۳ - ۱۹۵۰ م.
عنوان و نام پدیدآور:	دختر کشیش / جورج اورول؛ ترجمه‌ی بهناز پیاده.
مشخصات نشر:	تهران: مجید، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری:	۳۰۴ ص.
شابک:	978 - 964 - 453 - 098 - 2
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیبا
یادداشت:	عنوان اصلی: A clergyman's daughter
موضوع:	داستان‌های انگلیسی - قرن ۲۰ م.
شناسه افزوده:	پیاده، بهناز، ۱۳۴۱ - ، مترجم.
رده‌بندی کنگره:	۳ د ۸۷۳ الف / ۳ PZ
رده‌بندی دیویی:	۸۲۳ / ۹۱۲
شماره‌ی کتابشناسی ملی:	۱۳۲۷۹۴۶



نشر به سخن



انتشارات مجید

دختر کشیش

جورج اورول

ترجمه‌ی بهناز پیاده

چاپ دهم، تهران، ۱۴۰۰ ه. ش.

۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی مهر، چاپ عطا، صحافی کیمیا

حروف‌نگار: اصغر قلیزاده

ویراستار: علی شاهی

طرح جلد: محسن سعیدی

همه‌ی حقوق محفوظ است.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۵۳-۰۹۸-۲

ناشر همکار: نشر به سخن

آدرس دفتر: تهران، انقلاب، خ. ۱۲ فروردین، کوچه نوروز،

پلاک ۱، واحد ۲ تلفن: ۶۶۴۹۵۷۱۳ - ۶۶۴۹۱۵۸۸

www.majidpub.com

مقدمه

دختر کشیش یکی از آثار جذاب جورج اورول است که در بخش های مهم به بررسی زندگی دسته های مختلف آدم های اجتماع می پردازد و هریک از آنها را به نقد می کشاند. قهرمان داستان که دختر ساده ی کشیش شهری کوچک است با هریک از این آدم ها زندگی کرده و در هر دوره نگرش او نسبت به هستی، دین و روش زندگی در نتیجه ی تعامل با این آدم ها دست خوش تغییر می شود.

دوروتی با پدرش در ملک یک کلیسا زندگی می کند. کشیش که مردی بداخلاق و ثرش مزاج است با همه ی مردم رفتاری بد و تحقیرآمیز دارد و هرروز از تعداد جمعیت نمازگزاران کلیسایش کاسته می شود؛ زیرا او فردی متعصب است و همیشه با استفاده از کلمات مهلک باعث ترس و وحشت افرادی می شود که به کلیسا می آیند و جز وظایف دینی اش در خارج از چارچوب کلیسا هیچ مسؤولیت دیگری را پذیرا نیست.

اما دوروتی که در کلیسا بزرگ شده و با آداب آن جا انس گرفته، خود را موظف به انجام امور می داند و از صبح تا شام مشغول رسیدگی به امور خانه، کلیسا و نیازمندان است و هرگز اتفاق تازه ای در زندگی اش رخ نمی دهد و این بخش اول زندگی دوروتی است که او را فردی معتقد به دین و مذهب بار آورده است. تا این که مردی به نام وارپورتون که چندان خوشنام نیست، در همسایگی آنها ملکی می خرد و گه گاه به آن جا می آید. دوروتی از هم صحبتی با آقای وارپورتون که به نظر او مردی دنیا دیده است، لذت می برد و او را یک دوست می شمارد؛ اما معاشرت دوروتی با وی باعث بروز مشکلات جدیدی در زندگی اش می شود و او را با دنیای بیرون از کلیسا، زشتی ها و زیبایی هایش مواجه می سازد.

در نتیجه‌ی همین آشنایی و در یک اتفاق ناگهانی، دوروتی حافظه‌اش را از دست می‌دهد و به‌ناگاه خود را در میان آدم‌های ولگردی می‌یابد که تمام هم و غم‌شان به‌دست آوردن پول و غذایی برای زنده ماندن هستند. اجتماع بی‌رحمی که این آدم‌ها را نادیده گرفته است. دوروتی زندگی را با آنان تجربه می‌کند که حتا نمی‌توانست در فکرش چنان زندگی‌ای را متصور شود. از این جاست که عقاید او نسبت به جهان هستی و اعتقاداتش درهم می‌ریزد و ایمانش دستخوش تزلزل می‌شود. اورول که خود با فقر و نداری دست‌وپنجه نرم کرده و در کتاب «آس و پاس‌های پاریس و لندن»^۱ آن را به‌خوبی نمایانده است، در این رمان هم سعی در پرده برداشتن از چهره‌ی کریه فقر و نداری دارد و این معضل جامعه‌اش را به تیغ تیز قلم انتقادآمیزش می‌سپارد.

www.ketab.ir

فهرست مطالب

بخش نخست	۹-۹۴
بخش دوم	۹۵-۱۵۸
بخش سوم	۱۵۹-۱۹۲
بخش چهارم	۱۹۳-۲۷۲
بخش پنجم	۲۷۳-۳۰۴

www.ketab.ir